

تحلیل معناشناختی روابط غیر کلامی در غزل‌های سنایی

فاطمه عبدالله‌پور^۱

صفا تسلیمی^۲

علی فلاح^۳

زهرة عرب^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۵

10.22080/RJLS.2023.24657.1364

چکیده

روابط غیر کلامی از مهم‌ترین ابزار شناختی انسان در جامعه است و با توجه به فرهنگ و زبان، قابل رمزگشایی است و به دلیل پیشگامی سنایی در انواع غزل و تمرکز بر روابط عاشق و معشوقی حائز اهمیت است. این پژوهش با هدف معناشناختی روابط غیر کلامی در غزل‌های سنایی انجام شد که از نظر هدف در گروه تحقیقات بنیادی - نظری و از جهت ماهیت، روش، شیوه‌ی نگارش و پرداختن به مسأله، جزء تحقیقات توصیفی و تحلیلی است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی سند کاوی بر اساس گزینش غزلیاتی است که در آن‌ها عشق در قالب معناشناختی روابط غیر کلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. یافته‌ها نشان داد که بیشتر ارتباطات غیر کلامی معشوق به صورت حسی و به‌ویژه تصویری است، مانند غمزه و حرکات چشم و ابرو. با توجه به شروع غزل‌های قلندرانه، برخی روابط غیر کلامی اغلب همراه با کنش‌های رفتاری و شناختی است. از سویی روابط غیر کلامی حسی و مستقیم به پوشیدگی و ابهام ماجرای عشقی انجامیده و موجب گفتمان‌های شناختی و گاه سوء تفاهم شده است و روابط غیر کلامی با معشوق عتاب‌آلود قلندر در دیوان سنایی اغلب رفتاری و شناختی است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که معناشناختی روابط غیر کلامی در غزل‌های عاشقانه‌ی سنایی مبتنی بر روابط تصویری و حسی است و هرچه به سمت غزل قلندرانه پیش می‌رویم، روابط انتزاعی‌تر و شناختی‌تر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: سنایی، معناشناختی، روابط، غیر کلامی، غزلیات.

^۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: hashemi.s150@gmail.com

^۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسؤول) رایانامه: safa.taslimi@iau.ac.ir

^۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: fallah@iau.ac.ir

^۴- استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. رایانامه: zohreharabadabi@yahoo.com

۱- مقدمه

در ادبیات، ارتباط کلامی و غیر کلامی بر هم منطبق هستند و با هم ارائه می‌شوند. در گفتار نشانه‌های غیر کلامی که برخی قدمتی چند هزار ساله دارند، در فرهنگ‌ها و سنن اجتماعی اقوام گوناگون، با وجوه مشترک و گاه اختلافی اندک، کاربرد و کارکرد فرهنگی و بلاغی دارند. گفتار بی‌صدا شاخه‌ای از زبان محسوب می‌شود که فرد آگاهانه و ناآگاهانه آن را به کار می‌برد. میزان پیام‌هایی که روزانه از طریق اندام‌های بدن ارسال می‌شود، بسیار زیاد است. اما ما اغلب اهمیت آن را نادیده می‌گیریم و توجه چندانی به فراگیری و تقویت این زبان نداریم؛ حال آنکه اهمیت استفاده‌ی مؤثر از زبان بدن در ارتباطات غیر کلامی، در موفقیت اجتماعی انسان، کمتر از توانایی بلیغ و فصیح سخن گفتن در عرصه‌ی زبان نیست. هرچند رفتارشناسی از رهگذر ارتباطات غیر کلامی در ادبیات و به‌ویژه ادبیات داستانی نمود بیشتری دارد، در ادبیات منظوم نیز قابل سنجش و اندازه‌گیری است. بررسی و تحلیل این نشانه‌ها، ما را در شناسایی فرهنگ و روابط میان فردی یاری می‌رساند و در غزلیات و اشعار نیز ضرورت رفتارشناسی و کنش‌های غیر کلامی، بیشتر آشکار می‌شود. شعر و ماهیت آن به گونه‌ای است که خودبه‌خود باعث القای مفاهیم ثانوی و فراتر از متن می‌شود. «شاعر با استفاده از فن موسیقی شعر می‌تواند حالت‌های مختلف شادی و اندوه، حیرت و حسرت، حرکت و خواب، تفکر و بی‌خیالی و... را به مخاطب القا کند. این بحث کمتر به مقوله‌ی ساختار کلی مربوط می‌شود و بیشتر با نوع انتخاب و گزینش واژگان و چینش آن‌ها در کنار هم ارتباط می‌یابد.» (دادجو، ۱۳۸۸: ۲۴)

ادوارد هرش، شعر عاشقانه را اعلام حالتی از تقدس می‌داند که «عاشقان را بیرون از مدار اجتماع می‌نشانند.» (هرش، ۱۳۹۸: ۱۳۱)؛ اما جان استوارت میل، شعر را در مقابل سخنوری - که ارتباط کلامی بر آن برتری دارد و با توجه به مخاطب تنظیم می‌شود - نوعی فالگوش ایستادن، اعترافات و نزدیک‌ترین بازنمایی‌های ممکن احساس می‌داند که حاصل ناآگاهی تمام‌عیار شاعر از شنونده است. نوعی خودگویی شاعر است که بتواند «هرگونه ردپای نگریستن به جهان بیرون و روزمره را از اثر خویش بزدايد و عواطفش را به بیان فرا بخواند؛ دقیقاً همان‌طور که در انزوا احساس‌سازش کرده، یا همان‌طور که آگاه است باید احساس‌شان کند؛ حتی اگر قرار باشد برای همیشه احساس‌شده باقی بمانند.» (میل، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۷)؛ این نگاه استوارت میل به شعر، تجربه‌ی زیستن شاعر درون شعرش چه شعر روایی، چه غیر روایی است. وی در ادامه، مهم‌ترین فرق هنرهای بصری مانند خطابه و موسیقی را که حاصل نوعی ارتباط کلامی هستند،

در همین می‌داند. «در هنرهایی که با چشم سخن می‌گویند، می‌توان همین تمایزها را برقرار دانست. می‌توان انگاشت استوارت میل به‌طور ضمنی به روابط کلامی و غیر کلامی و تفاوت هر یک در برقراری ارتباط با مخاطب در شعر اشاره کرده است و با وجود اشعار روایی و توصیفی و عاشقانه، آن را بر سخنوری و خطابه که ارتباط کلامی از نوع مستقیم است، برتری داده است.

۱-۱- بیان مسأله

این پژوهش با هدف معناشناسی روابط غیر کلامی در غزل‌های سنایی انجام شده است. امروزه بحث ارتباط غیر کلامی در زبان‌شناسی و سبک‌شناسی نیز وارد شده است. هدف و تأثیرگذاری سبک‌شناسی وابسته به بافتی مشخص است که هم نویسنده و هم مخاطب در آن تأثیرگذار هستند. بین بافت زبانی و غیر زبانی متن، تمایز وجود دارد. بافت زبانی شامل اجزای متن اعم از واژه‌ها، آواها و عبارت‌هاست و بافت غیر زبانی شامل اجزای حذف‌شده‌ی متن است. بافت غیر زبانی، هر ویژگی برون‌متنی مؤثر بر زبان و سبک متن را در برمی‌گیرد، اعم از تردیدها و تشویش‌های احتمالی، قوه‌ی خلاقیت، نگرش‌ها و باورها و تلمیح نویسنده از خوانندگان متن. به این ترتیب دایره‌ی روابط غیر کلامی در متن افزایش می‌یابد. عشق، پدیده‌ای است که تمام احساسات و جریان‌ات درونی عاشق را متحول می‌کند و شخصیت جدیدی از وی می‌سازد؛ میل به سرور و شادی و سلامت روانی او را برعهده می‌گیرد و به تناسب هر فرد، به جلوه‌های گوناگون ایما و اشاره ظاهر می‌شود. در تاریخ ادبیات ایران، روح و سرشت غزلیات سنایی، شادی و نشاط و خوش‌بینی در برابر معشوق و اخلاص و ارادت و گردن نهادن به خواست او از اصول و اندیشه‌های معناشناختی روابط غیر کلامی در عشق‌ورزی و درون‌مایه‌ی غزل اوست. «کلیه‌ی پیام‌هایی که افراد، علاوه بر خود کلام، آن‌ها را نیز مبادله می‌کنند، ارتباط غیر کلامی است. ما معنای حرکات بدن خود را درک می‌کنیم، بدون اینکه متوجه‌ی آنچه انجام می‌دهیم، باشیم.» (برکو و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۸)

می‌توان به‌طور ضمنی تفسیرها و تحلیل‌های اشخاص را از دیگری، نوعی کنش غیر کلامی از نوع رفتاری یا شناختی دانست که از سوی شخصیتی خاص به چشم آمده است، نه کل مخاطبان متن. این مسأله با تعریف شعر یا ادبیات هم صادق است. «وظیفه‌ی شاعر، کشف مداوم است. او درصدد یافتن واژگانی است که به دلیل قرابت‌های پنهانی‌ای معانی شگفتی می‌آفریند؛ اما تفسیر و تحلیل داده‌های متنی از جنبه‌های مختلف می‌تواند در ایجاد نگاه چندجانبه‌ی متن و خوانشی عمیق‌تر از آن مؤثر باشد.» (پرین، ۱۳۸۳: ۳۵)؛ ارتباط کلامی و یادگیری زبان، استعداد فراگیر میان گونه‌ی انسانی است. اگر هنگام خواستن

چیزی، دستمان را به سمت آن اشاره می‌کنیم، یعنی از ابزار غیر کلامی سود می‌جویم. این حرکت، میان ما و خانواده‌ی میمون‌ها مشترک است. به این ترتیب زبان همان تکامل ایما و اشاره‌هایی است که در ارتباطات غیر کلامی با آن مواجه هستیم. (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳، ۱۱۵)؛ حرکات بدن، خلق و خوی، ظاهر، نوع راه رفتن، حرکات چهره، تماس چشمی، نوع ایستادن، حرکات دستان، نشانه‌های دیداری و تغییرات فیزیولوژی، لحن صدا، نوع پوشش و حتی سکوت اختیار کردن، همه به‌نوعی راهی برای ارتباط با سایرین است. از این رو با توجه به پیشینه‌ی اندکی که ارائه شد، نویسنده بر این است تا به سؤالات مطرح‌شده در فرضیه‌ی تحقیق پاسخگو باشد.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

- مؤلفه‌های معناشناختی روابط غیر کلامی در غزل‌های سنایی چیست؟
- سبک و سیاق روابط غیر کلامی معشوق در غزل‌های سنایی چگونه است؟

۱-۳- روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، در گروه تحقیقات بنیادی - نظری و از دیدگاه ماهیت و روش و شیوه‌ی نگارش و پرداختن به مسأله، جزء تحقیقات توصیفی و تحلیلی است. پس از درک و ماهیت روابط غیر کلامی در ارتباطات انسانی، تحلیل و بررسی آن در غزل‌های حکیم سنایی صورت گرفته و دامنه و حدود آن به دست آمد. برای مطالعه و گردآوری اطلاعات درباره‌ی مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شد. با توجه به نوع روش و موضوع تحقیق، داده‌های ارتباط غیر کلامی جمع‌آوری و دسته‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل شد. جامعه‌ی آماری هم غزلیات دیوان سنایی است که در نهایت با روش تحلیلی و استنتاجی، داده‌ها بررسی شد.

۱-۴- پیشینه‌ی پژوهش

تحقیق درباره‌ی فرایند ارتباط غیر کلامی در متون ادبیات غنایی، انگشت‌شمار است. اغلب این تحقیقات با تکیه بر متون داستانی یا حماسی و روایی پرداخته شده است. در اینجا هرچند نویسندگان مقاله به تحقیقاتی که درباره نثر و داستان صورت گرفته، توجه نموده‌اند، به دلیل تفاوت ساختاری نثر با شعر به آن کمتر اشاره می‌شود؛ مانند «بررسی کارکردها و فراوانی ارتباط‌های غیر کلامی در رمان «چشم‌هایش» اثر بزرگ علوی» نوشته‌ی حسن‌زاده و حیری (۱۳۹۸) و «ارتباط غیر کلامی در روایت‌های تاریخ بیهقی»

اثر محمودی و همکاران (۱۳۹۵). اما بیشتر توجه پژوهندگان به تحقیقات مبتنی بر شعر بوده که خود دو دسته بودند:

یک دسته متکی بر اشعار بلند روایی است. از جمله می‌توان به پژوهش میرزاییان و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «نقش ارتباط غیر کلامی در اشعار اخوان در القای اندیشه یأس و ناامیدی» اشاره کرد که تنها به نشانه‌های دیداری و آوایی مانند اشارت‌های چشم و ابرو و حالت‌های چهره پرداختند. در مطالعه‌ای که نوده‌ی مقدم و نشایی (۱۳۹۷) درباره‌ی «ارتباط غیر کلامی شاخصه‌ی سبکی منظومه‌ی افسانه‌ی نیما یوشیج» انجام داده‌اند، علاوه بر تمرکز بر نشانه‌های دیداری و آوایی، به مسأله‌ی موقعیت زمانی و مکانی نیز توجه شده است. قاسم‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) با تحلیل مفاهیم و کارکرد ارتباط غیر کلامی در شاهنامه، با توجه به محتوای حماسی شاهنامه و توصیف‌های گوناگون بدنی و صحنه‌ای، زمینه‌ی مناسبی برای ورود به این مبحث داشته‌اند. آن‌ها در این پژوهش بیشتر به بررسی نمادهای ظاهری اندامی نظیر حالت‌های معاشناختی ایما و اشاره‌ی چهره و بدن پرداخته‌اند. هم‌چنین در این پژوهش، سبک و سیاق خاصی برای به‌کارگیری توصیف‌های اندامی برای فردوسی در نظر گرفته شده است.

دسته‌ی دیگر مبتنی بر غزل و اشعار غیر روایی است که فراوانی آن بسیار اندک است. از جمله می‌توان به مطالعه‌ی ایرانی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «بررسی معاشناسی گفت‌مان خاموشی در تخلص مولانا بر اساس غزلیات شمس» اشاره کرد. هرچند زیرساخت این مقاله زبان‌شناسی است، از سکوت به ارتباط غیر کلامی رسیده‌اند. در صورتی می‌توان به نقش سکوت در فرایند ارتباط توجه داشت که نبود گفت‌مان باعث ایجاد خلأ شود. در حقیقت انتظار این است که این سفیدخوانی‌ها را خواننده پر کند. به این ترتیب خواننده با کمک امکانات متن دست به تأویل می‌زند، ولو این تأویل برخلاف نیت نویسنده باشد.

نپرداختن به غزل‌های سنایی غزنوی که آینه‌ی فرهنگ و سنن و بازتاب باورها، افکار، اخلاق و عرفان است، جای خالی پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد. در این مقاله به جست‌وجوی معاشناختی ارتباط غیر کلامی در غزل‌های سنایی با تکیه بر روابط عاشق - معشوقی پرداخته‌ایم. غزل‌های سنایی با کارکرد عاشقانه، عارفانه - زهدیات و قلندرانه است. بخش دیگری از غزل‌ها به تعریف ماهیت عشق می‌پردازد که در این نوع غزل‌ها نیز مجال بروز روابط غیر کلامی دوسویه کمتر است. به این ترتیب دامنه‌ی پژوهش بسیار گسترده‌تر از کلمات و لغات نوشتاری است و همراه با تأویل و تفسیر عاشق یا معشوق، روابط غیر کلامی دیگری نیز در بیت آشکار می‌شود که در این مقاله قصد پرداخت به آن را داریم.

۲- مبانی نظری پژوهش

ارتباط غیر کلامی

ارتباط غیر کلامی، ریشه و سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. اما مطالعه درباره‌ی ارتباط غیر کلامی، عمر کوتاهی دارد و نسبتاً جدید است. رفتارهای غیر کلامی کاملاً آموختنی و اکتشافی هستند و انسان‌ها در هر مرحله از سن خود می‌توانند این آموزش را ببینند و میزان نفوذ تأثیرگذاری خویش در دیگران را کنترل کنند، آن را افزایش دهند و از آن بهره ببرند. «در کتاب ارتباطات انسانی، ده کانال برای ارتباطات غیر کلامی بیان شده است که عبارتند از: ابزار چهره‌ای، رفتارهای چشمی، حرکات و ژست‌ها، رفتارهای لمسی، رفتارهای آوایی، استفاده از بو، استفاده از فضا، ظاهر فیزیکی، استفاده از زمان و استفاده از اشیا.» (محسنیان‌راد، ۱۳۹۳: ۱۴۳)؛ در ارتباطات غیر کلامی و ناملفوظ، عناوین، نشان‌ها و نمادهای تصویری، هر کدام به‌نوعی جلوه‌ای از روش‌های اکتسابی و غیر مستقیم است و فرصت کشف و شهود را برای مخاطب فراهم می‌کند، مانند معشوقی که با کلاه ظاهر می‌شود. حتی برخی از آن‌ها جهانی هستند. «علائمی که معنای جهانی دارند، مثل دست تکان دادن یا بوسیدن یکدیگر یا علائم ظریف‌تر، از جمله تغییرات چشمگیر در وضعیت بدن، اهرم قرار دادن دست‌ها و...» (هارجی، ۱۳۹۳: ۱۹۲) از این دسته هستند.

در این تحقیق سعی شد ارتباطات غیر کلامی را تا حد امکان منطبق بر متن ادبی قرار دهیم. این ارتباطات در سه دسته‌ی بزرگ نشانه‌های حسی (مانند چشم و ابرو، بوی زلف و طعم دهان)، نشانه‌های عاطفی (مانند خشم و غضب توأم با فریاد یا آه و ناله) و نشانه‌های سکوت که اغلب توصیفی هستند (مانند کفن دریدن در قیامت که نه قابل دیدن است و نه با نشانه‌های روان‌شناسانه قابل اندازه‌گیری است، بلکه ادعایی ادبی و اغراق‌آمیز است) جای می‌گیرند.

از بین این نشانه‌ها، مورد اول و دوم برای اغلب فرهنگ‌ها و زبان‌ها و حتی در اقوام گوناگون ساکن در یک فرهنگ قابل دریافت است، مانند قد بلند یا کوتاه. خم شدن یا نشستن نه تنها برای تمام اهل آن زبان به‌طور یکسان قابل دریافت نیست، بلکه روابط خصوصی عاشقی و معشوقی گاهی حتی برای خود فرد هم تأمل‌برانگیز خواهد بود. تعبیر و تأویل آن نشانه‌ها برخاسته از بافت و موقعیت محیطی یا شناختی آن رخداد غیر کلامی است. به عنوان نمونه می‌توان به حرکات چشم و ابرو و یا گفت‌وگوهای خاموشی اشاره کرد. از آنجا که ارتباط غیر کلامی ممکن است در اثنای موقعیت دیداری-کلامی رخ دهد، در آثار ادبی بیشتر در روایت‌ها و قصه‌ها و داستان‌ها قابل مشاهده می‌باشد. (نجفی، ۱۳۹۵: ۱۶)؛ در غزل‌های سنایی همانند

دیگر غزل‌سرایان فارسی با چند نوع موقعیت تغزلی (روابط عاشقی - معشوقی) روبه‌رو هستیم؛ یا معشوق حاضر است یا غایب و در خیال. در هر دو مورد، یا گفت‌وگو مستقیم صورت می‌گیرد یا به صورت غیر مستقیم و با واسطه انجام می‌پذیرد. برای مثال می‌توان به حضور ساقی در مجالس انس اشاره کرد. هر جا ارتباط کلامی داشته باشیم، می‌توانیم امیدوار به تشکیل رابطه‌ی غیر کلامی هم باشیم.

انتخاب روابط عاشقانه از آن روی است که بستر غزل در اصل با تأکید بر روابط عاشقانه است. «قلب غزل، قالبی برای اشعار عاشقانه بوده و بیشتر برای گنجاندن مفاهیم و مضامین عاشقانه، وصف زیبایی معشوق، ذکر صفات و اخلاق او، حال عاشق، وصف می و مجالس آن و... مورد استفاده قرار گرفته است.» (رازی، ۱۳۸۷: ۴۱۵)؛ به جز سبک هندی که اساس آن بر مضمون‌یابی است و ممکن است مضامین آن، عاشقانه نباشد، تمام مضامین، حتی مضامین عرفانی نیز در غزل، در بافت عشقی بیان شده است. غزل جدید نیز که از نظر مضمون محدود نیست، وقتی موفق است که مضامین خود را در بافت تغزلی بیان کند. (شریف‌نسب و کرمی، ۱۳۹۲: ۲۶۰)

در دیوان سنایی، موقعیت عاطفی غزل‌ها معمولاً به سه دسته‌ی عارفانه، عاشقانه و قلندرانه تقسیم می‌شود و کمتر با غزل‌های سیاسی یا جوهی دیگر روبه‌رو می‌شویم. هر کدام از آن‌ها را هم می‌توان به دو دسته‌ی روایی و غیر روایی تقسیم کرد. «از آنجا که پیدا کردن غزل‌های صرفاً عاشقانه و صرفاً عارفانه در دیوان سنایی شاید انتظار عبث و یا حتی دشواری باشد،» (پورنامداریان، ۱۳۹۲: ۸۸) از این‌رو هر دو دسته‌ی عاشقانه و عارفانه با هم بررسی شده است. اما غزل قلندرانه که وجه تمایز آن سخنان عتاب‌آلوده است، آسان‌یاب‌تر است.

از آنجا که تغزل شعری، واقع‌گراست و در محدوده‌ی خاصی، جریان‌ات حقیقی اجتماع را نشان می‌دهد، از این‌رو هنوز نشانه‌های حسی بیش از نشانه‌های دیگر قابل دریافت است. البته همین مسأله منجر به چند کاناله بودن رابطه یا برداشت‌های مغایر یا سوء و اختلاف‌افکنی میان عاشق و معشوق شده و پیامد آن، تزلزل رابطه است. از همان دست که در تغزلات دوره‌ی نخست و آثار انوری، معزی و دیگران می‌بینیم.

۳- تحلیل داده‌ها

۳-۱- تحلیل معناساختی روابط غیر کلامی در غزل‌های سنایی

بنا به آنچه گذشت، مشخص کردیم که اکثر غزل‌های سنایی مشحون از روابط غیر کلامی است؛ زیرا توصیف و تشریح روابط، بدون حضور معشوق برای عاشق، راحت‌تر است. روابط غیر کلامی در غزل سنایی یا با نیت قبلی است که بدیهی است برداشت و دریافت خاص از سوی معشوق یا عاشق را در پی خواهد داشت، یا بدون نیت. ولی چون هر پیامی از سوی فرستنده مخابره شود، برداشتی به مقتضای فرهنگ و سطح آگاهی و شعورش در پی خواهد داشت، حتی بدون نیت قبلی هم تبعاتی ایجاد خواهد کرد. پس مسأله‌ی نیت داشتن و نداشتن در ارتباط غیر کلامی، منتفی است. با بررسی غزل‌های سنایی می‌توان تمام گفتمان‌های قدرت را در پیام‌های غیر کلامی‌اش مشاهده کرد؛ برای مثال ترک محل زندگی معشوق به وسیله‌ی عاشق، در غزل‌های قلندارانه بیشتر است و ناز و عتاب را به جان خریدن در پیام‌های عاشقانه و عارفانه. همین مسأله در ارتباطات انسانی هم مدنظر است.

در این نوع ارتباط، بیشتر با مسائل شناختی و ذهنی سروکار داریم تا منطقی و عقلانی. اما بدین معنی نیست که طرفین پیام‌های عاشقانه فقط سکوت یا ناشی از پرحرفی باشد، بلکه گاهی دست به عکس‌العمل هم می‌زنند، مانند خود را کشتن و رفتن و دور شدن یا ماندن و صبر پیشه کردن. هر کدام از دو سوی این طیف، پیامی است که عاشق مخابره می‌کند. ما با درک و دریافت معشوق مواجه نیستیم، بلکه فقط کنش یکسویه‌ی این رابطه را می‌بینیم که احساسش بر منطق و عقلش پیشی گرفته است. در یک متن ادبی ما نمی‌توانیم بر شکل‌گیری رابطه ایمان داشته باشیم. همان‌طوری که رابطه ساختگی و ذهنی است و در این مواقع بیشتر از الگوهای پیشینه‌ی فرهنگی - اجتماعی استفاده می‌شود.

در برخی از پیام‌ها، عاشق به اظهار تفسیر و برداشت شخصی خود می‌پردازد و در پاره‌ای موارد این اتفاق نمی‌افتد. شاید در وهله‌ی اول تفسیر، رابطه‌ی کلامی به نظر برسد، اما از آنجا که با متن ادبی سروکار داریم و عامل عقل بر احساس برتری خاصی ندارد، گفتمان تفسیر، بخشی از الگوی عاشق برای استمرار و دوام عشق است؛ چه این تفسیرها ذهنی باشد چه حسی، یعنی برداشت چه واقعی باشد، چه سوء برداشت باشد، بخشی قطعی از پیام‌های عاشق خواهد بود. مانند پاسبان کوی یار بودن به خاطر زیبایی که هیچ کدام رابطه‌ی کلامی نیست؛ بلکه کنش و واکنشی در پیام‌های مخابره‌شده است. در غزلیات سنایی گاهی مخاطب وارد روابط عاشقانه می‌شود. بسیاری از پیام‌های مخابره‌شده برای مخاطب تفسیر می‌شود، نه برای

گیرنده‌ی پیام. هرچند در تعریف غزل گفته می‌شود بیان روابط عاشقانه و خصوصی است، چون مشخص نشده دقیقاً مخاطب چه کسی است، پس امکان حضور نفر سوم به‌عنوان ناظر در بسیاری از رابطه‌های کلامی و غیر کلامی وجود دارد. از این رو است که در بخش‌هایی از غزلیات، هم مسلمانان، ساقی و... و هم ای پسر، ای جان جان... با هم مورد خطاب قرار می‌گیرد. دقت در این جزئیات سبب می‌شود تا بررسی رابطه‌های غیر کلامی در غزلیات سنایی عمیق‌تر شود. در بخش اول، رابطه‌ی غیر کلامی معشوق را بررسی کردیم که از قرار زیر است:

۱-۱-۳- روابط غیر کلامی معشوق با عاشق

این روابط غیر کلامی در دو دسته قابل بررسی است: یا با حواس قابل درک است، یا رفتاری است. قسمت دوم هم هرچند حس کردنی است، حاصل برداشت مخاطب است.

الف) پیام‌های حسی: این نوع پیام‌ها همراه با نیت قبلی است که گاهی برخاسته از رفتارهای کلی معشوق ادب فارسی است. در این نوع روابط که اغلب بر بیان زیبایی معشوق تکیه دارد، سخنی نیست که تاکنون گفته نشده باشد. سنایی زلف روی صورت ریختن، ابرو درهم کشیدن، با عتاب رفتن، نامه نوشتن، نامه ستاندن و گذر کردن از کوی معشوق را خطر کردن می‌داند:

راست چون زلف تو بود تاریک بی رخ تو جهان روشن من

(سنایی، ۱۳۸۵: ۹۷۵)

مکن آن زلف را چون دال مکن با دل غمگنان جدال مکن

(همان: ۹۸۲)

در این اشعار بیشتر توصیف زیبایی معشوق است که خودبه‌خود پیامی برای دلدادگی مخابره می‌شود؛ مثل زلف را مانند دال کردن و به این ترتیب با دل عاشقان جدال کردن. به هر حال زیبایی، پیامی غیر کنشی است که به دیگری مخابره می‌شود. شاعر، زیبا کردن خود را مانند وسمه بر ابرو کشیدن، با نیت قبلی می‌داند و می‌گوید:

آب مشک و باد عنبر برد پاک بوی شمشاد قصب‌پوش شما

(همان: ۸۰۰)

روی چو ماه داری، زلف سیاه داری بر سرو ماه داری، بر سر کلاه داری

(همان: ۱۰۲۸)

در بیت اخیر، روی ماه و زلف سیاه داشتن و همچنین بر سرو ماه داشتن (مجازاً به معنای زیبا بودن)، امری غیر ارادی است؛ اما بر سر کلاه داشتن، امری ارادی و در عین حال کنشی است. مشخص است که درباره‌ی عاشق در هر دو مورد امر قابل تفسیر و تأویل خواهد بود؛ یعنی حتی اگر معشوق در مخابره‌ی پیام هیچ نیتی در نظر نداشته باشد. چه ناز کردن معشوق باشد که کنش صورت می‌گیرد، چه زیبایی چشمانش که فی‌نفسه زیبا باشد.

ب) پیام‌های رفتاری و شناختی: در این نوع رابطه‌ها، پیام‌هایی است که با حواس قابل دریافت است، اما قصد و نیت افراد در ایجاد آن دخیل است؛ مثل سرنگون کردن سنایی مانند خوشه در بیت زیر:

می سنایی را همو داد و همو زان پس بجرم سرنگون چون خوشه کرد و حد بچوب تاک زد
(همان: ۸۵۲)

در برخی از غزل‌ها، سنایی تمام رفتارهای معشوق را بیان می‌کند و آن را نشانه‌ی جنگ و کین می‌داند:

مردمان دوستی چنین نکنند	هر زمان اسب هجر زین نکنند
جنگ و آزار و خشم یکباره	مذهب و اعتقاد و دین نکنند
چون کسی راه به مهر بگزینند	دیگری را بر او گزین نکنند
در رخ دوستان کمان نکشند	بر دل عاشقان کمین نکنند

(سنایی، ۱۳۸۵: ۸۶۵)

تمام رفتارهای معشوق، کلامی نیست، اما در عین حال قابل دیدن و حسی است. اما نتیجه‌ی آن رابطه‌ی غیر کلامی قطعاً رفتاری به همراه خواهد داشت. نیاز به تأویل و تفسیری دارد که تأویل آن در این مثال از نظر سنایی، دشمنی کردن است. دشمنی کردن معشوق، رفتاری است، نه صرفاً حسی.

زان لب که همی زهر فشاندی به تکبر اکنون شکرافشان شد، تا باد چنین باد
(همان: ۸۳۸)

غمخانه برگزید و ره عشق و گمراهی هر روز می برآرد نوعی دگر ز جیب
(همان: ۸۰۲)

ای جور گرفته مذهب و کیش این کبر فرو نه از سر خویش
(همان: ۹۱۲)

ای جان جهان کبر تو هر روز فزون است لیکن چه توان کرد که وقت تو کنون است
 [یار عزیز] برخاست ز جای زهد و دعوی (همان: ۸۱۶)
 بنهاد ز سر ریا و طامات در می‌کده با نگار بنشست
 از صومعه ناگهان برون جست (همان: ۸۲۳)

همان‌طور که در دو بیت اخیر مشخص است، (و تا پایان غزل حالت روایی آن حفظ شده) صحنه‌پردازی در این نوع غزل‌ها بیشتر است و در روابط غیر کلامی، امکان بروز بیشتری دارد. رابطه در حال شکل‌گیری و انجام است یا بود و هر بیت پس از انجام عمل بیت قبلی صورت گرفته، بیشتر بر رفتار و کنش و فعلی از سوی فرستنده پیام مبتنی است.

ج) بی‌عملی و سکون: هیچ‌کاری نکردن و خلف وعده کردن، سکوت کردن، از کنار عاشق رد شدن و به او ننگریستن و... در اینجا تنها قابل دیدن است که معشوق گذر کرده یا نکرده، ولی تفسیر گیرنده‌ی پیام از آن رابطه، نشان‌دهنده‌ی منفعل بودن فرستنده‌ی پیام است که باز هم می‌توان نیت را برای آن در نظر داشت:

هر شبم وعده دهی کایم و نایی بر من چند از این عشوه خرم من ز تو ای عشوه‌فروش
 (همان: ۹۱۱)
 گرچه نبخششی تو به من بوسه‌ای هرچه مرا هست همه زان تست
 (همان: ۸۰۹)
 در مجمع بت‌رویان تو بوسه دریغی خود یا رسم بتان نبود از بوسه سخا کردن
 (همان: ۹۶۷)

بیشتر ابیات غزل ۲۸۵ (که بیت اخیر از آنجاست) مشتمل بر ابیاتی است که یار از عاشق دریغ کرده است. از همین دست است غزل‌هایی که با مضمون هجران همراه است. چون هجران و دوری، تنها ندیدن، نخواستن یا نتوانستن یار از سوی عاشق نیست؛ خواست معشوق که در اینجا بی‌عملی او نسبت به دیدار عاشق است نیز در آن نقشی دارد. نکته‌ی قابل تأمل آن است که غزل‌هایی که جنبه‌ی تغزلی بیشتری داشته‌اند، روابط غیر کلامی معشوق بیشتر از نوع حسّی و بعد رفتاری است؛ اما در غزلیات قلندرانه و عارفانه، روابط غیر کلامی معشوق بیشتر از نوع رفتاری و شناختی است و سپس حسّی. «به نظر می‌رسد که

این مقوله را باید به خاطر تسلط غزل عاشقانه‌ی تنانه و جسمانی در غزل عارفانه دید که پورنامداریان در بررسی انواع غزل به‌طور مبسوط به آن اشاره کرده است.» (پورنامداریان، ۱۳۹۲: ۴۳)

۳-۱-۲- روابط غیر کلامی عاشق با معشوق

در این نوع پیام‌ها که به گسترده‌گی رابطه‌ی بالا نیست، برخی از آنان زبان بدن و دیدنی هستند، مانند گریستن؛ برخی رفتاری‌اند، مانند وفاداری و سکوت و برخی نیز ذهنی‌اند که به این چند مورد قابل تقسیم است:

الف) پیام‌های حسی: که با حواس بیشتر درک می‌شود و صرفاً واکنشی در برابر رفتار خاصی از معشوق نیست؛ بلکه از ماهیت عشق است که چنین رفتاری از عاشق دیده می‌شود. این روابط غیر کلامی بر اساس بافت فرهنگی - اجتماعی در عاشق دیده می‌شود:

هر زمان بر تو یار اندیشم تا تو اندر جهان چه خواهی کرد

(سنایی، ۱۳۸۵: ۸۵۰)

لیکن از یاد تو ما را چاره نیست تا در این خاکست ما را آب‌خورد

(همان: ۸۵۱)

شادی و آرام نبود هر کرا وصل تو نیست هر کرا وصل تو باشد هر چه باید جمله هست

(همان: ۸۱۶)

ب) پیام‌های رفتاری و شناختی: منظور نموده‌های تفکری و رفتاری پس از دریافت پیام است. مثلاً گیرنده‌ی پیام به خشم و یا هیجان می‌آید، مانند سرخ‌رو شدن.

حیرت سوی چشم آمده کای چشم تو منگر غیرت سوی گوش آمده کی گوش تو منیوش

(همان: ۹۱۱)

و یا گیرنده‌ی پیام همراه با شناخت، عملی فیزیکی یا حسی هم انجام می‌دهد، مانند فریاد کشیدن، آه کشیدن، گریستن و...:

دوش تا روز من از عشق تو بودم بخروش تو چه دانی که چه بود از غم تو بر من دوش

(همان: ۹۱۱)

ورنه همچون حلقه‌ی در داری عشقت مرا بر امیدت هر زمانی گوش بر در دارمی

(همان: ۱۰۳۵)

همه شب زار گریم تا سحرگاه همی بوسم در و دیوار جانان

(همان: ۹۶۴)

ج) پیام‌های انتزاعی: همان‌طور که در بحث گفته شد، گاهی زمان رابطه می‌تواند در فرایند انتقال پیام تأثیرگذار باشد. ادعای رفتارهای بعد از مرگ مانند در برابر زیبایی و حضور معشوق، کفن دریدن که فقط قابل عرض است نه قابل عرضه از آن دست است. کفن دریدن، کنشی است که انجام می‌شود، ولی قابل دیدن نیست و تنها قابل تصور کردن است، قابل قیاس با تصور وصال با معشوق می‌تواند باشد. این نوع رابطه‌ی غیر کلامی، هنوز به وقوع نپیوسته اما قابل تصور و انتزاعی است.

دان و آگه باش اگر شرطی نباشد با منت بامدادان پگه دست منست و دامت

(همان: ۱۰۲۴)

جان و دل کردم فدای مهر تو خاک پایت باد سر تا پای من

(همان: ۹۷۶)

این همه تردامنان را خشک بادا دست و پا خیز تا خط فنا گرد سنایی در کشیم

(همان: ۹۵۵)

یگانه دست در دامن معشوق بودن و رسیدن به مراد، خواستی در آینده است. حالت و واکنشی لمسی - حسی است، ولی اتفاق نیفتاده و هنوز به وقوع نپیوسته، اما شاعر به گونه‌ای از آن یاد می‌کند که گویی اتفاق افتاده و آن حالت برای شاعر رخ داده است. از همین گونه است جمله‌های انشایی دیگر که قابل صدق و کذب نیست و ادعایی است. مانند نمونه‌ی زیر:

ما قد ترا بنده‌تر از سرو روانیم ما خد ترا سغبه‌تر از عقل ورنیم

بی روی تو لب خشک‌تر از پیکر تیریم با موی تو دل تیره‌تر از نقش کمانیم

بیرون ز رخ و زلف تو ما قبله نداریم بیش از لقب و نام تو توحید نخوانیم

در ره روش عقل تو ما که‌تر عقلیم وز پرورش لفظ تو ما مهتر جانیم

(سنایی، ۱۳۸۵: ۹۵۶)

حال اگر انواع غزل و گفتمان‌های دیگر هم‌سو با آن را در این رابطه قرار دهیم، خواهیم دید که مثلاً در غزل قلندرانه، رابطه‌ها انتزاعی‌ترند و بر آینده و یا حال تکیه دارند، اما در غزل‌های عاشقانه بر حال و یا گذشته استوارند و حسی‌تر و ملموس‌ترند.

۴- نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی و تحلیل روابط غیر کلامی عاشقانه در غزل‌های سنایی می‌پردازد. انواع ارتباط غیر کلامی معشوق به سه صورت است: ۱- **حسی** که قابل ارزیابی با حواس انسانی است (چه با نیت، چه بی نیت)، مانند زیبا بودن یا خودآرایی ۲- **رفتاری و شناختی** که بر اساس عمل و عکس‌العملی همراه با نیت قبلی و یا بدون نیت شکل می‌بندد، مانند می‌نوشی بدون عاشق ۳- **گفتمان سکون** که باز هم رفتاری است، ولی تفسیر عاشق از آن اهمیت دارد و آن را با نوع قبلی اندکی متمایز می‌کند. در این نوع پیام‌ها، معشوق هیچ حرکتی انجام نمی‌دهد؛ مثلاً نمی‌خندد، بوسه نمی‌دهد، از جایی عبور نمی‌کند که از نظر عاشق می‌تواند به کبر، بی‌وفایی و... تعبیر شود.

این روابط غیر کلامی در عاشق باعث ایجاد سه نوع رفتار و رابطه‌ی غیر کلامی می‌شود؛ ۱- **حسی**، مانند بیدار بودن و چشمان اشکبار داشتن ۲- **رفتاری و شناختی**، مانند فریاد کشیدن و آه کردن، ۳- **انتزاعی**، رفتارهایی که عاشق در شریط خاص، انتظار بروز آن را از خود دارد؛ یعنی هنوز به وقوع نپیوسته، ولی مدعی انجام آن در گذشته یا حال یا آینده است؛ اما اغلب متکی بر آینده‌اند. به این ترتیب رابطه‌ی حسی و رفتاری در هر دو یکسان است. همچنین باید گفت که نخست روابط غیر کلامی مانند نشانه‌های زبانی (تصویری - طبیعی - وضعی) قابل تسری به یکدیگرند. دوم به لحاظ ادبی، پیام‌های غیر کلامی هر چه باشد، با توجه به بافت و موقعیت و زمان ایجاد رابطه، امکان برداشت و تفسیرهای متعدد و متنوع در گیرنده‌ی پیام ایجاد می‌کند.

در میان انواع غزل‌های سنایی (عارفانه، عاشقانه و قلندری)، تفاوت‌هایی کمابیش دیده شده است. هر چه تغزلی‌تر باشد، پیام‌های حسی و شناختی در آن بیشتر است و هر چه عارفانه‌تر یا قلندرانه‌تر باشد، پیام‌های شناختی و انتزاعی. در غزل‌های قلندری، شکل‌گیری روابط انتزاعی‌تر بیشتر و موکول به زمان آینده است؛ مانند کفن دریدن و ادعای رفتارهای پس از مرگ. همچنین می‌توان پی برد که در دیوان سنایی، روابط غیر کلامی حسی و کنشی در معشوق و پیام‌های ادراکی - انتزاعی در عاشق بیشتر است. در نهایت در دیوان سنایی از سوی عاشق، گفتمان سکون و سکوت دیده نشده است. عاشق تمام سعی‌اش بر آن است که روابط غیر کلامی‌اش در چشم معشوق و یا مخاطب و خواننده دیده شود. ولی معشوق در برخی از حرکات و روابطش به کنش نداشتن روی آورده است.

منابع

- ایرانی، زهرا و دیگران (۱۳۹۸)، «بررسی معناشناسی گفتمان خاموشی در تخلص مولانا بر اساس غزلیات شمس»، **مطالعات تطبیقی**، س ۱۳، ش ۵۰: ۲۲۹-۲۵۹.
- برکو، روی و دیگران (۱۳۹۳)، **مدیریت ارتباطات**، ترجمه‌ی سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، تهران: دفتر نشر پژوهش‌های فرهنگی.
- پرین، لارنس (۱۳۸۳)، **درباره شعر**، ترجمه فاطمه راکعی، تهران: اطلاعات.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۹۲)، **در سایه آفتاب، شعر فارسی و ساخت‌شکنی در شعر مولوی**، تهران: سخن.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله و غزاله حیری آبکناری (۱۳۹۸)، «بررسی کارکردها و فراوانی ارتباط‌های غیر کلامی در رمان چشم‌هایش»، **رخسار زبان**، س ۳، ش ۹: ۶۱-۸۶.
- دادجو، دره (۱۳۸۸)، **موسیقی شعر حافظ**، تهران: زرباف اصل.
- رازی، شمس قیس (۱۳۸۷)، **المعجم فی معاییر اشعار العجم**، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: زوار.
- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۸۵)، **دیوان اشعار**، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران: سنایی.
- شریف‌نسب، مریم و سمیه کرمی (۱۳۹۲)، «سیر سبکی داستان در غزلیات سنایی غزنوی و عطار نیشابوری»، **سبک‌شناسی نظم و نثر**، س ۶، ش ۱۹: ۲۵۹-۲۸۳.
- قاسم‌زاده، سید علی و دیگران (۱۳۹۷)، «تحلیل مفاهیم و کارکرد ارتباطات غیر کلامی در شاهنامه»، **زبان و ادبیات فارسی**، س ۲۶، ش ۲۹: ۱۸-۱۵۷.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۹۳)، **ارتباطات شناسی**، تهران: سروش.
- محمودی، مریم و دیگران (۱۳۹۵)، «ارتباط غیر کلامی در روایت‌های تاریخ بیهقی»، **کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی**، س ۱۷، ش ۳۲: ۲۰۱-۲۳۱.
- نوده‌ی مقدم، کبری و محمدرضا نشایی (۱۳۹۷)، «ارتباط غیر کلامی شاخصه سبکی منظومه افسانه نیما یوشیج»، **زبان و ادبیات فارسی**، س ۱۴، ش ۱۵: ۸۹-۱۰۸.

- میرزاییان، پیروش و دیگران (۱۳۹۸)، «نقش ارتباط غیر کلامی در اشعار اخوان در القای اندیشه یأس و ناامیدی»، **زبان و ادبیات فارسی**، س ۲۷، ش ۸۷: ۲۵۷-۲۸۴.
- میل، جان استوارت (۱۳۹۸)، **ملاحظات در باب شعر و انواع آن**، ترجمه محمدهادی حاجی بیگلو، تهران: شبخیز.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۵)، **مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی**، تهران: نیلوفر.
- هارچی، اوون و دیگران (۱۳۹۳)، **مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان‌فردی**، ترجمه مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی، تهران: رشد.
- هرش، ادوارد (۱۳۹۸)، **شعر را چگونه بخوانیم (دل باختن به شعر)**، ترجمه مجتبی ویسی، تهران: نیلوفر.

Non-Verbal Relations in Sanai's Lyrics

Fatemeh Abdollahpour¹ 

Safa Taslimi² 

Ali Fallah³ 

Zohreh Arab⁴

DOI: 10.22080/RJLS.2023.24657.1364

Abstract

Non-verbal communication, which is one of the most important human cognitive tools in society, can be deciphered according to culture and language. The importance of this research is due to Sanai's types of sonnets and his focus on the lovers' relationship. These are established in Sanai's poetry according to the position, power, type of sonnet, and the choice of narrative and non-narrative expression style as well as their intentions which are classified as 1- sensory: focusing on the five senses 2- behavioral: focusing on actions of the special situations, and 3- cognitive and abstract: focusing on personal interpretation. One of the findings of this study is that most of the lover's attention in non-verbal communication is cognitive. Also, most of the lover's non-verbal communication is sensory and especially visual, like coquetry and eyebrow movements. Therefore, in Qalandarian songs, some non-verbal relations are more private and new and are often accompanied by behavioral and cognitive actions. Also, the discourse of silence is almost absent in this kind of relationship. Although there are many conversations with the beautiful lover in the history of Persian literature, the non-verbal relations with the rebellious lover of Qalandar in Sanai's poetry are often behavioral and cognitive. Thus, it is concluded that non-verbal relationships in romantic sonnets are based on visual and sensory relationships, while in Qalandarian sonnets, the cognitive aspect of the relationships is more emphasized.

Keywords: Communication, Sanai's lyrics, Non-verbal relations, Lover and beloved relationship.

¹ Ph.D. student of Persian language and literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

² Assistant Professor of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

Corresponding author: safa.taslimi@iaau.ac.ir.

³ Assistant Professor of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

⁴ Assistant Professor of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

Extended Abstract

Introduction

In literature, verbal and non-verbal communication are closely correlated and expressed together. In communication, non-verbal signs, some of which are thousands of years old, are used by people of various cultures and traditions to serve numerous cultural and rhetorical purposes. Non-verbal communication, which is one of the most important human cognitive tools in society, can be deciphered according to culture and language. The importance of this research is due to Sanai's types of sonnets and his focus on the lovers' relationship. These are established in Sanai's poetry according to the position, power, type of sonnet, and the choice of narrative and non-narrative expression style as well as their intentions which are classified as 1- sensory: focusing on the five senses 2- behavioral: focusing on actions of the special situations, and 3- cognitive and abstract: focusing on personal interpretation. One of the findings of this study is that most of the lover's attention in non-verbal communication is cognitive. Also, most of the lover's non-verbal communication is sensory and especially visual, like coquetry and eyebrow movements. Therefore, in Qalandarian songs, some non-verbal relations are more private and new and are often accompanied by behavioral and cognitive actions. Also, the discourse of silence is almost absent in this kind of relationship. Although there are many conversations with the beautiful lover in the history of Persian literature, the non-verbal relations with the rebellious lover of Qalandar in Sanai's poetry are often behavioral and cognitive. Thus, it is concluded that non-verbal relationships in romantic sonnets are based on visual and sensory relationships, while in Qalandarian sonnets, the cognitive aspect of the relationships is more emphasized.

Research Methodology

This research is conducted through the collection of information through studying, recording and sampling library documents, databases and web content. In this research, Sanai's types of sonnets and his focus on the lovers' relationship are studied to reveal his reliance on cognitive non-verbal relationships.

Findings and Conclusion

This research examines non-verbal communication in Lovers' interaction in Sanai's lyrics. Findings indicate that three types of relationships are noticeable in his poetry:

1. Sensory, which is measurable through the five senses – whether intentionally or unintentionally, like perceiving the beauty of the beloved.
2. Behavioral, which is formed through reacting to action with or without the intention, like drinking in the absence of the beloved.
3. The silent treatment, which is again behavioral, but depends on the lover's interpretation of it. In this kind of relationship, the beloved does not react. She does not smile, kiss, ... which can be interpreted by her lover as indicative of the beloved's pride, unfaithfulness, etc.

Such behavior would induce three reactions in the lover: sensory, like staying awake or crying, behavioral, like screaming or sighing, and abstract, like any behavior the lover expects of himself under special circumstances.

In Sanai's poetry, variety of such behaviors are seen. In his different sonnets (mystic, romantic or Qalandarian), differences are evident. However, the more lyrical his poetry gets, the more the cognitive and sensory cues are seen in them. On the other hand, the more mystic or Qalandaraneh his poetry, the more the cognitive and abstract messages in them.

Conflict of Interest

There is no conflict of interest.